

سطحی از تفاهم میان ایران و آمریکا قابل دسترسی است

دنيس راس

۱۰ جولای ۲۰۱۹

اگر تهران تمدید بند غروب برجام را بپذیرد و از فعالیت‌های خود در سوریه و لبنان بکاهد، واشنگتن هم چه بسا مایل به برداشتن تحریم‌های هسته‌ای و ایجاد یک سازوکار مالی خاص باشد.

ایران اکنون به شکلی فزاینده از حدود تحمیل‌شده در توافق هسته‌ای - برنامه جامع اقدام مشترک یا همان برجام - فاصله می‌گیرد و از مرز ۳۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده کم‌عیار که مجاز است در اختیار داشته باشد، فراتر رفته است و حتی در حال تولید اورانیوم با خلوص بیشتر از ۳.۶۷ درصد است که تحت مفاد توافق مجاز بوده تولید کند. پس تعجبی نخواهد داشت اگر ایران سانتریفیوژهای پیشرفته‌تری را نصب کند یا بر شمار همان ۵۰۶۱ سانتریفیوژ قدیمی خود، که مجاز به داشتن آن برای غنی‌سازی است، بیفزاید. ایران عجله‌ای برای تولید مواد هسته‌ای غنی‌شده برای بمب‌سازی به خرج نمی‌دهد، اما اشتباه نکنید: آنچه ایران انجام می‌دهد زمان لازم برای رسیدن به توانمندی هسته‌ای در سطح تسلیحاتی را کاهش خواهد داد.

تصمیم دولت ترامپ در اواخر ماه آوریل لغو معافیت‌های تحریمی که به هشت کشور اعطا شده بود تا امکان خرید نفت ایران را داشته باشند، ایران را به دردمسز بزرگی انداخت. صادرات نفت این کشور از تقریباً یک میلیون بشکه در روز به حدود ۳۰۰ هزار بشکه در روز سقوط کرد. این زبان درآمدی، فشارهای اقتصادی قابل توجه ایران را که نتیجه وضع دوباره تحریم‌ها بود، بدتر هم کرد - و این واقعیت هم بر فشارها افزود که شرکت‌های چندملیتی هم احساس کردند باید به تحریم‌ها پایبند باشند تا مبادا امکان تجارت در آمریکا یا دریافت وام از بانک‌های آمریکایی را از دست بدهند.

حالا ایران برای پاسخ دادن به سیاست «فشار حداکثری» دولت ترامپ، دارد حداکثر فشار را به دولت دونالد ترامپ وارد می‌کند. کاهش زمان تسلیح هسته‌ای - و تاکید بر ناتوانی دولت ترامپ در مهار آن - یکی از راه‌های ایران برای افزایش فشار است. ایران در عین حال فعالیت‌های تهدیدآمیزش را در منطقه افزایش داده است. فرودگاه‌های غیرنظامی عربستان، لوله‌های انتقال نفت، و ایستگاه‌های پمپاژ نفت هر از چندگاهی هدف حوثی‌های یمن قرار گرفته که از پهپادها و موشک‌های ساخت ایران استفاده می‌کنند؛ شش کشتی در دو نوبت با استفاده از مین چسبان در جنوب تنگه هرمز آسیب دیدند؛ پایگاه‌هایی در عراق که محل استقرار نیروهای آمریکایی هستند مورد اصابت راکت‌های شبه‌نظامیان شیعه قرار گرفتند - که ایران آن‌ها را مسلح کرده و آموزش داده است؛ مقامات امنیتی اسرائیل به من می‌گویند که جهاد اسلامی - که آن هم مورد حمایت ایران است - سخت تلاش می‌کند تا درگیری با اسرائیل را در غزه تشدید کند؛ و البته یک پهپاد آمریکایی هم توسط ایرانی‌ها سرنگون شده است.

یک هفته قبل از زمان اعلام تصمیم کاخ سفید درباره معافیت‌های تحریمی، وزارت خارجه آمریکا به کشورهای معاف‌شده اطلاع داد که این معافیت‌ها تمدید خواهند شد. وزارت خارجه آمریکا طرفدار حفظ معافیت‌ها بود چون درک کرده بود که از هر دو جنبه بهترین تصمیم است: ایران با اقتصاد بی‌ثباتش همچنان تحت فشار خواهد بود و در عین حال به تعهداتش در قبال برجام هم متعهد می‌ماند - در نتیجه، کار دولت آمریکا راحت‌تر بود و مجبور نبود به این فکر کند که اگر ایرانی‌ها واقعا از برجام خارج شوند و زمان تسلیح هسته‌ای خود را کمتر کنند، چه باید بکند.

اما لغو معافیت‌ها، ایرانی‌ها را ترغیب کرد که حتماً به ترامپ و اروپایی‌ها و دوستان ما در منطقه نشان بدهند که آن‌ها هم قدرت اعمال فشار دارند و قرار نیست به راحتی تسلیم فشار آمریکا شوند. در تاریخ ۲۹ می، علی خامنه‌ای، رهبر ایران، در یک سخنرانی اعلام کرد که آمریکا تلاش می‌کند جمهوری اسلامی را با موضع ضعیف‌تری به میز مذاکره برگرداند، اما این اتفاق نخواهد افتاد؛ به گفته او ایران در مقابل از «اهرم»‌های خود استفاده خواهد کرد - و این‌طور که معلوم است دارد همین‌کار را هم می‌کند.

ظاهراً هر دو جبهه، بر مبنای این فرض پیش می‌روند که افزایش فشار باعث لغزش طرف مقابل خواهد شد. البته خطری که وجود دارد این است که یک اشتباه محاسبه منجر به درگیری شود - ولو اینکه هیچ‌کدام از طرفین آن را نخواهند. با این فرض که درگیری قابل اجتناب است، رئیس‌جمهور و وزیر خارجه و معاون وزیر خارجه ایران می‌گویند که اگر آمریکا به توافق هسته‌ای برگردد یا اروپایی‌ها منافع اقتصادی ایران را تأمین کنند، ایران اقدامات خود در نقض برجام را معکوس خواهند کرد. ظاهراً هیچ‌کدام از این انتظارات ایران محقق نخواهد شد - با این حال، حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، درخواست امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، را برای بازگشت به مذاکرات پذیرفته است.

آیا اروپایی‌ها می‌توانند موفق به پادرمیانی بین ایرانی‌ها و ترامپ شوند؟ آن‌ها احتمالاً اول سعی می‌کنند به تفاهمی برسند که بر اساس آن، ایرانی‌ها به برجام پایبند باقی بمانند و به تنش‌زدایی در منطقه کمک کنند، و در عوض، دولت ترامپ هم معافیت‌های لغوشده در ماه آوریل را دوباره برقرار سازد.

دولت ترامپ هیچ پاسخ واقعی به فشار حداکثری ایران ندارد و مشخصاً خواستار درگیری هم نیست. این وضع ممکن است برای ترغیب ترامپ به پذیرش چنان تفاهمی کفایت کند. ترامپ در ژاپن، نیت اصلی خود را در قبال ایران بیان کرد و گفت که به دنبال تغییر رژیم نیست، فقط هدفش «منع دستیابی ایران به سلاح اتمی» است. تنها معیار واقعی ترامپ این است که از او باما بهتر عمل کند و این احتمالاً یعنی این که شرط غروب مربوط به غنی‌سازی ایران را بین ۱۰ تا ۱۵ سال دیگر تمدید کند؛ یعنی تا سال ۲۰۴۰ یا ۲۰۴۵. اما ایرانی‌ها بدون دریافت امتیاز چنین چیزی را نمی‌پذیرند؛ آن‌ها احتمالاً نه تنها خواستار پایان دادن به تحریم‌های مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای ایران می‌شوند، بلکه خواهان لغو مجموعه بزرگتری از تحریم‌ها هم خواهند شد.

تحریم‌هایی که آمریکا به خاطر حمایت رژیم ایران از تروریسم و نقض حقوق بشر به ایران تحمیل کرده، با توجه به رفتارها و سیاست‌های فعلی ایران، قابل برداشتن نیستند و نباید برداشته شوند. از این گذشته، اگر ایران رفتارش را در منطقه عوض نکند، برجام ۲ احتمالاً از نسخه اول آن بیشتر دوام نخواهد آورد. هیچ معامله بزرگی در قلمرو ممکنات وجود ندارد که به شکلی جادویی همه اختلافات ایران و آمریکا را حل و فصل کند.

اما یک سازش واقع‌گرایانه و دست‌یافتنی وجود دارد: ایران می‌تواند تمدید بند غروب به مدت ۱۵ تا ۲۰ سال دیگر را بپذیرد، تعداد راکت‌ها و موشک‌ها و زیرساخت‌های نظامی خود را در سوریه و لبنان محدود کند، و از احتمال بروز یک جنگ بزرگتر منطقه‌ای بین ایران و اسرائیل بکاهد. در عوض، آمریکا تحریم‌های هسته‌ای را بردارد و یک سازوکار مالی خاص ایجاد کند تا به شرکت‌های آمریکایی و بین‌المللی امکان دهد به شرط رعایت مجموعه دقیقی از قوانین، در ایران کار کنند. این روش همه آن‌چه را که طرفین می‌خواهند به آن‌ها نمی‌دهد، اما در مقایسه با بن‌بست موجود دستاوردهای بیشتری برای هر دو طرف به بار خواهد آورد.

در حال حاضر اما، ایران ظاهراً ترجیح می‌دهد فشار خود را بر آمریکا تشدید کند. تا وقتی رهبر ایران نگران اقدام نظامی آمریکا نباشد یا نگران این نباشد که فشارهای اقتصادی باعث برهم‌زدن آرامش داخلی خواهد شد، بعید است توافقی را به این زودی‌ها بپذیرد. طرفه آن است که در چنین وضعیتی، خطر درگیری بالاست، هرچند هیچ‌کدام از طرفین خواهان درگیری نیست. این خطر آن‌قدر هست که اروپایی‌ها را تشویق کند هر قدر می‌توانند طرفین را به تنش‌زدایی و رسیدن به تفاهمی جدید تشویق کنند.

**دنيس راس مشاور و هموند برجسته ويليام ديويديسون در انستیتو واشنگتن است.*